

والرهبان نيز نفر و شد آخر بون از مشراز
 مشام نون تواند که باز دارد اين مثل هفتين
 نيل است پس گفت مثل هفتين بد همچو کسی است او
 که در آتش در می دمد و بونیز دیک و کت
 شسته هم ان بود که نیت را بسوزد یا جامه
 آن بسوزد و اگر نه بارک زودت بمشام
 وحشم برسد و عبارت رحامه بشیند و جامه
 آن بود که دود بگذرد این دو مثل موعظه
 مصطفی است صلوات الله علیه و سلم نوبت
از قران از تبرا الذین يتبعوا من الذین
اتبوا اخراوند سبحانه و تعالی هم فرماید که روز

و توبه بکنند و نیت شسته
 و نیت با شسته آنک او نیت شسته

قیامت کهنر و مهنر بزرگ دیگر بیرون آیند
 و خصم یک دیگر شوند کهنر با مهنر خویش گوید دید
 اگر شومی نوبت بود که من در دوزخ بر می بس
 مهنر با کهنر گوید چون روزی دهسد تو خلود
 عالم بود بد رسالتی من حرامی آمد که **حکایت**
 شیخ ابوالقاسم حکیم گوید رحمه الله علیه
 که صد شیر گرسنه در رحمة گو سفندان
 چندان تباهی نیکند که یک ساعت شیطان کند
 و صد شیطان ان تباهی نیکند و نوبت کردن
 که یک ساعت رفیق بد کند و صد رفیق بد
 ان تباهی نیکند کردن که نفس آدمی کند و الله اعلم
 قادر او نماز اشکل که او مکنق

Copyright © King Fahd University